

فصلنامه علمی - پژوهشی «تحقیقات علوم قرآن و حدیث» دانشگاه الزهراء (س)  
سال دوازدهم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۴، پیاپی ۲۷، صص ۱۷۳-۱۵۵

DOI: [10.22051/TQH.2015.2045](https://doi.org/10.22051/TQH.2015.2045)

## نقد و بررسی دیدگاه آلوسی در تبیین اراده تکوینی در آیه تطهیر

رضا نوروزی<sup>۱</sup>

میثم دوست محمدی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۹۳/۱۲/۱۱

تاریخ تصویب: ۹۴/۰۳/۱۸

### چکیده

آیه تطهیر در میان مفسران مذاهب اسلامی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و همواره مورد بحث و بررسی‌های مختلفی قرار گرفته است. تبیین نوع اراده موجود در این آیه، یکی از مهم‌ترین مسائل تفسیری آن بشمار می‌رود. شیعه معتقد است مراد از اراده در این آیه، اراده تکوینی است و خداوند از ابتدای خلقت با اراده تکوینی خود، طهارت اهل بیت (ع) از هرگونه پلیدی و زشتی را اراده کرده است و عصمت و طهارت آنها بدون

r.nourouzy@yahoo.com

۱. استادیار گروه معارف دانشگاه قم

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مدرسی معارف اسلامی دانشگاه قم (نویسنده مسئول)

درنگ حاصل شده است. در این مقاله ضمن طرح دیدگاه آلوسی مبنی بر تکوینی بودن اراده در این آیه و نیز مشروط بودن آن به انجام اوامر و ترک نواهی الهی، به نقد و ارزیابی آن می‌پردازیم. آلوسی آثار تکوینی اعمال نیک بر نفس انسان را مختص به اعمال اهل بیت (ع) دانسته و اعمال دیگران را فاقد چنین آثار قطعی می‌داند. این ادعای آلوسی از نظر آیات قرآن و روایات پیامبر (ص) و مبانی حکمت اسلامی مردود و بی‌اساس است و در نتیجه نمی‌توان چنین شرطی را برای اراده تکوینی در آیه تطهیر در نظر گرفت.

**واژه‌های کلیدی:** آیه تطهیر، اراده تکوینی، اهل بیت (ع)، عصمت، آلوسی.

## ۱. مقدمه

آیه تطهیر، «إِنَّمَا يَرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً» (الاحزاب: ۳۳)، از جمله آیاتی است که در طول قرون متمادی مورد توجه ویژه علماء و مفسران جهان اسلام قرار گرفته است. آیه تطهیر اثبات‌گر فضیلت و برتری خاصی برای افرادی است که از آنها به عنوان «اهل البیت» یاد می‌کند. در میان مفسران مذاهب اسلامی اختلافات متعددی در تفسیر این آیه وجود دارد و نقاط مختلفی از این آیه را مورد بحث و بررسی‌های موشکافانه خود قرار داده‌اند. این امر سبب گردیده است که تبیین الفاظ این آیه از اهمیت ویژه‌ای برخوردار گردد چرا که ظهور معنای صحیح این آیه در گرو تبیین صحیح معانی مورد نظر از الفاظ آن است.

یکی از نقاط اصلی مورد اختلاف مفسران در این آیه، تبیین معنای «یُرِيدُ» با تعیین تکوینی یا تشریحی بودن اراده است. در اراده تکوینی خداوند متعلق اراده، فعلی از افعال خود اوست که مراد آن بدون هیچ تأخیری حاصل می‌شود و تخلف ناپذیر است. اما در اراده تشریحی متعلق اراده، فعلی از افعال انسان است و انسان آن را با اختیار و اراده خود انجام می‌دهد و هیچ اجباری در آن وجود ندارد. از این رو، ممکن است انسان به انجام آن عمل اقدام نکند و در نتیجه آنچه مراد اراده تشریحی بوده است، حاصل نشود.

به اعتقاد شیعه مراد از اراده در آیه تطهیر، اراده تکوینی است که به صورت مطلق در این آیه به کار رفته و موجب نفی هرگونه پلیدی و زشتی از اهل بیت است و در نتیجه عصمت آنها توسط این آیه ثابت می‌شود. اما اغلب مفسران اهل سنت با این دیدگاه شیعه مخالفت کرده و اراده موجود در آن را اراده تشریحی دانسته‌اند که در این صورت ملازمه‌ای با عصمت نخواهد داشت و اختصاصی به اهل بیت نخواهد داشت چرا که خداوند با اراده تشریحی خود از همه انسان‌ها خواسته است که از پلیدی‌ها دوری کنند. در این میان اما آلوسی که از مفسران بنام اهل سنت است دیدگاه جدیدی مطرح نموده است.

وی همانند شیعه اراده در این آیه را اراده تکوینی دانست اما معتقد است که این آیه هیچ ارتباطی به عصمت اهل بیت ندارد و نمی‌تواند دلیلی بر اثبات عصمت آنها باشد. آلوسی این آیه را شامل همسران پیامبر(ص) می‌داند و آن را تعلیلی برای اوامر و نواهی موجود در آیات قبل و بعد به شمار آورده است. به عقیده او آیه تطهیر در معنای جمله شرطیه است که شرط آن از آیات قبل فهمیده می‌شود و معنای آیه این است که اگر «اهل‌البیت» به اوامر الهی عمل کنند و از محرّمات دوری گزینند، قطعاً این اعمال آنها دارای آثار تکوینی در دل و جان آنهاست و موجب تهذیب نفسشان می‌شود بر خلاف دیگران که اعمالشان از آثار تکوینی قطعی برخوردار نیست.

هر چند که برخی محققین در صدد پاسخگویی به این ادعای آلوسی بر آمده‌اند (فکری، ۱۳۸۴، ص ۲۲۶-۲۴۵) اما به نظر نگارنده پیچیدگی متن تفسیر آلوسی و عدم نظم منطقی آن موجب خطا و اشتباه در تشخیص مدعای اصلی او شده و این امر موجب شده تا پاسخ لازم به ادعای او داده نشود.<sup>۱</sup>

از این رو لازم بود با بررسی دقیق آیات و روایات و همچنین طرح مبانی حکمت اسلامی به نقد و بررسی دیدگاه آلوسی پرداخته شود تا در ضمن آن تفسیر صحیح این آیه مشخص شود.

---

۱. نویسنده کتاب مذکور، مدعای آلوسی مبنی بر تکوینی بودن اراده و مشروط بودن آن را به خوبی درک نکرده و به اشتباه به نقد و بررسی دیدگاه قائلین به اراده تشریحی پرداخته است. این امر موجب گردید تا نویسنده از نقد دیدگاه آلوسی که هدف اصلی وی از تدوین این کتاب است، منحرف گردد و علاوه بر بی پاسخ ماندن ادعای آلوسی، غرض اصلی این کتاب نیز به طور کامل حاصل نشود.

## ۲. مراد از اراده در آیه تطهیر از دیدگاه شیعه

در دیدگاه شیعه با توجه به روایات متواتری که در متون حدیثی اهل سنت و شیعه وجود دارد، آیه تطهیر در خصوص پیامبر(ص)، حضرت علی، فاطمه، حسن و حسین(ع) نازل شده است و مصادیق «أهل البيت» منحصر در این ذوات مقدس است. (حیدری، ۱۴۲۴، ص ۲۰۱-۲۳۲) با توجه به اینکه این آیه در مقام اثبات و ویژگی خاصی برای این اشخاص است تا آنها را از دیگر افراد متمایز کند، نمی‌توان اراده موجود در این آیه را اراده تشریعی دانست؛ زیرا اراده تشریعی الهی متعلق به صدور افعال خیر از همه فاعل‌های مختار و دوری آنها از محرّمات است و اختصاصی به اهل بیت ندارد، بلکه خداوند از همه انسان‌ها خواسته است از هر گونه پلیدی و رجسی دوری گیرند.

بنابراین اراده در این آیه چیزی جز اراده تکوینی نمی‌تواند باشد و اراده تکوینی خداوند قطعاً محقق می‌شود و چیزی نمی‌تواند مانع تحقق آن شود. در این آیه هیچ قید و شرطی برای تحقق اراده الهی وجود ندارد و بر این اساس از همان ابتداء خلقتشان، اراده الهی به پاکی آنها از هر گونه پلیدی تعلّق گرفته است. همان‌طور که اهل لغت اشاره کرده‌اند لفظ «رجس» عام بوده و شامل همه پلیدی‌های ظاهری و باطنی، مادی و معنوی می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲، ص ۳۴۲) با توجه به اینکه گناهان انسان و حتی خطاهای او از جمله زشتی‌ها و پلیدی‌ها به شمار می‌آیند، مفاد آیه تطهیر این است که خداوند با اراده تکوینی خود هر گونه گناه و خطا و اشتباهی را از اهل بیت دور کرده است و آنها را واجد مقام عصمت گردانیده است. (علم الهدی، ۱۴۱۰، ج ۳، ص ۱۳۴؛ مفید، ۱۴۱۳، ص ۵۴؛ طوسی، بی‌تا، ج ۸، ص ۳۴۰) بنابر دیدگاه شیعه این آیه دلیلی بر عصمت اهل بیت(ع) است. (حلی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۱؛ همو، ۱۴۱۵، ص ۵۴)

## ۳. مراد از اراده در دیدگاه آلوسی

آلوسی ابتداء به تبیین دایره مصادیق «أهل البيت» می‌پردازد و با استناد به سیاق آیات و برخی روایات ضعیف و متروک، دایره مصادیق را وسیع دانسته و آن را شامل همسران و فرزندان و بستگان نزدیک پیامبر(ص) و حتی اقطاب صوفیه می‌داند. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۱۹۴-۱۹۹)

وی پس از آن به سراغ تبیین اراده می‌رود و معتقد است مراد از اراده در آیه تطهیر اراده تکوینی است اما بر خلاف نظر شیعه این آیه هیچ دلالتی بر اثبات عصمت اهل بیت ندارد. وی می‌گوید: «و الإرادة علی معناها الحقیقی المستتبع للفعل و الآیة لا تقوم دلیلاً علی عصمة اهل بیته صلی الله علیه و سلم وعلیهم و سلم الموجودین حین نزولها و غیرهم». (همان، ص ۱۹۹)

به اعتقاد او این فراز از آیه در مقام تعلیل برای اوامر و نواهی وارد شده در آیات قبل است و معنایش این است: «خداوند می‌خواهد به وسیله اوامر و نواهی خود، شما اهل بیت را تطهیر کند» وی می‌گوید: «أَنَّ الْمَعْنَى، حَسْبَمَا يَنْسَاقُ إِلَيْهِ الذَّهْنُ وَيَقْتَضِيهِ وَقَوْعُ الْجُمْلَةِ مَوْقِعَ التَّعْلِيلِ لِلنَّهْيِ وَالْأَمْرِ، نَهَاكُمْ اللَّهُ تَعَالَى وَأَمْرَكُمْ لِأَنَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يُرِيدُ بِنَهْيِكُمْ وَأَمْرِكُمْ إِذْهَابَ الرَّجْسِ عَنْكُمْ وَتَطْهِيرَكُمْ وَفِي ذَلِكَ غَايَةُ الْمَصْلُحَةِ لَكُمْ وَلَا يُرِيدُ بِذَلِكَ امْتِحَانَكُمْ وَتَكْلِيفَكُمْ بِلَا مَنَفَعَةَ تَعُودُ إِلَيْكُمْ» (همان)

آلوسی بر این باور است که این آیه در ضمن خود شرطی را نیز به همراه دارد که مانع از اطلاق آیه می‌شود؛ زیرا این جمله مانند جمله کسی است که خطاب به عده‌ای می‌گوید: «خداوند می‌خواهد به وسیله آب تشنگی شما را برطرف کند» واضح است که در این جمله برطرف شدن عطش مشروط به نوشیدن آب است و مفاد جمله این است که خداوند به اراده تکوینی اراده می‌کند که عطش آن‌ها را توسط آب رفع کند اما این اراده مشروط به نوشیدن آب توسط آن‌هاست و هرچند در اینجا تحقق شرط (نوشیدن آب) اختیاری است و آن‌ها می‌توانند هیچ آبی ننوشند اما تحقق مشروط پس از تحقق شرط قطعی و تخلف ناپذیر است و از آثار تکوینی شرط است و پس از نوشیدن آب قطعاً عطش آن‌ها از بین می‌رود.

وی می‌گوید: «هو علی معنی الشرط ای «یرید بنهیکم و أمرکم لیذهب عنکم الرجس و یطهرکم إن انتهیتم و ائتمرتم» ضرورة أن أسلوب الآیة نحو أسلوب قول القائل لجماعة عَلِمَ أَنَّهُمْ إِذَا شَرَبُوا الْمَاءَ أَذْهَبَ عَنْهُمْ عَطَشَهُمْ لَا مُحَالَةً: «یرید الله سبحانه بالماء لیذهب عنکم العطش» فإنه علی معنی «یرید سبحانه بالماء إذهاب العطش عنکم إن شربتموه» فیکون المراد إذهاب العطش به شرط شرب المخاطبین الماء لا الإذهاب مطلقاً. (همان)

آلوسی معتقد است در آیه تطهیر نیز خداوند به اراده تکوینی خود اراده کرده است که اهل بیت را پاک کند اما این اراده مطلق نیست تا اثبات کننده عصمت آن‌ها باشد، بلکه مشروط به

عمل کردن اهل بیت به اوامر الهی و ترک محرّمات است. بنابراین اگر اهل بیت به تکالیف الهی عمل کنند قطعاً از همه پلیدی‌ها و زشتی‌ها پاک می‌شوند. البته تحقق شرط قطعی نیست زیرا کسی اهل بیت را به انجام اوامر الهی و ترک نواهی اجبار نمی‌کند بلکه آنها با اختیار خود می‌توانند راه پیروی از دستورات الهی را در پیش گیرند و شرط لازم جهت حصول تطهیر خویش را فراهم آورند. آلوسی می‌گوید: «إِذْهَابُ الرَّجْسِ وَالتَّطْهِيرُ بَعْدَ الْإِنْتِهَاءِ وَالِاتِّمَارِ، لِأَنَّ الْمُرَادَ الْإِذْهَابُ الْمَذْكُورُ بِشَرْطِهِمَا فَهُوَ مَتَحَقِّقُ الْوُقُوعِ بَعْدَ تَحَقُّقِ الشَّرْطِ وَتَحَقُّقُهُ غَيْرُ مَعْلُومٍ إِذْ هُوَ أَمْرٌ اخْتِيَارِيٌّ وَليْسَ مَتَعَلِّقُ الْإِرَادَةِ» (همان).

آلوسی بر این باور است که مراد از اذهاب رجس و تطهیر، از بین بردن مبادی گناهان است به این صورت که خداوند پس از اینکه اهل بیت به اوامر او عمل کردند و از محرّمات الهی دوری گزیدند، نفس آن‌ها را تهذیب می‌کند و قوای نفسانی (قوه شهویّه، غضبیّه و...) را به شکلی درمی‌آورد که دیگر گناهی از آن‌ها سر نمی‌زند. «والمراد بالرجس الذنب ویاذها به إزالة مبادئه به تهذيب النفس وجعل قواها كالقوة الشهوانية والقوة الغضبية به حيث لا ينشأ عنهما ما ينشأ من الذنوب كالزنا و قتل النفس التي حرم الله تعالى» (همان).

و آلوسی مدعی است که خداوند از طرفی دیگر ذات اهل بیت را به ملکات و صفات نیکو مزین می‌کند تا منشأ بروز اعمال نیکو از آن‌ها باشند. در اینجا ملاحظه می‌شود که مشروط دانستن اراده در این آیه، می‌تواند اراده به اراده تشریحی معنا کند و در اراده تشریحی با حصول تمام شرایط آثار آن نیز حاصل می‌شود و این اختصاصی به عده خاصی ندارد بلکه شامل همه مؤمنین می‌گردد. اراده تشریحی عصمت عملی می‌آورد در حالی در ادامه ثابت می‌شود که در این آیه سخن از عصمت علمی که منشأ آن علم لدنی است، در میان است که مرتبه والایی از پاکی و تقواست.

از آنجایی که این آیه در مقام اثبات ویژگی خاصی برای اهل بیت است، آلوسی این ویژگی را همان تحقق آثار اعمال نیک و کردار پسندیده آنها می‌داند؛ یعنی اگر اهل بیت به تکالیف الهی عمل کنند، این اعمال آثار تکوینی داشته و موجب تهذیب نفس و ایجاد ملکات و صفات نیکو در نفس آن‌ها می‌شود. اما چنین آثار قطعی برای اعمال افراد دیگر وجود ندارد یعنی اگر کسی، غیر از اهل بیت، به اوامر الهی عمل کند و از محرّمات نیز دوری کند نباید انتظار

داشته باشد که آن آثار در وجود او نیز حاصل شود. اگر کسی در تمام طول عمر خویش اعمال خود را با اخلاص کامل و با رعایت تمام احکام و شرایط انجام دهد، تحقق آن آثار برای او قطعی نخواهد بود و شاید هیچ تغییری در نفس او به وجود نیاید چرا که قطعیت آثار اعمال، مخصوص اهل بیت است و شامل دیگران نمی‌شود.

آلوسی تصریح می‌کند: «الآیه متضمنه الوعد منه عزّ وجلّ لأهل بیت نبیه صلی الله علیه وسلم بأنهم إن ینتهوا عما ینهی عنه ویأتمروا بما یأمرهم به یندب عنهم لا محاله مبادئ ما یستهجن ویحلیهم أجلّ تحلیه بما یستحسن، وفیه ایماء إلی قبول أعمالهم وترتّب الآثار الجمیله علیها قطعاً ویکون هذا خصوصیه لهم ومزیه علی من عداهم من حیث إن أولئک الأعیار إذا انتهوا وائتمروا لا یقطع لهم بحصول ذلک» (همان)

#### ۴. بررسی و نقد

ملاحظه می‌شود که آلوسی از طرفی مانند علمای شیعه اراده در این آیه را اراده تکوینی می‌داند اما از طرفی دیگر این آیه را در معنای جمله شرطیه متشکل از شرط و جزاء می‌داند که مفاد جزاء به صراحت در آیه ذکر شده است اما مفاد شرط از مضمون آیات فهمیده می‌شود.

این ادعای آلوسی که آثار تکوینی اعمال عبادی و تبعیت از دستورات الهی را مختص به اهل بیت دانسته و اعمال دیگران را فاقد چنین آثار قطعی دانسته است، ادعایی تعجب برانگیز و از چنین مفسری دور از انتظار است و به نظر می‌رسد که برخی تعصبات مذهبی و گرایش‌های سلفی وی را به اظهار چنین ادعای بی‌اساسی واداشته است؛ چرا که آیات قرآن و روایات پیامبر(ص) چنین ادعایی را رد می‌کنند و اعمال خوب و بد همه انسان‌ها را دارای آثار تکوینی قطعی می‌دانند. همچنین این ادعای آلوسی طبق مبانی حکمت و عرفان اسلامی نیز مردود است.

#### ۵. آثار تکوینی اعمال در قرآن و روایات

در دیدگاه قرآن کریم همه اعمال انسان دارای تأثیراتی قطعی بر نفس او هستند و مثبت و منفی بودن این آثار تابع نیک و بد بودن آن عمل است و نمی‌توان اعمال بخشی از مکلفین را فاقد تأثیرات تکوینی دانست. خداوند در قرآن در مورد اعمال تکذیب کنندگان روز قیامت و آثار

تکوینی آن می‌فرماید: «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» (المطففين: ۱۴) یعنی «این چنین نیست که می‌گویند، بلکه گناهانی که همواره مرتکب شده‌اند بر دل‌هایشان چرک و زنگار بسته است و حقایق را افسانه می‌پندارند».

این آیه بیانگر این است که گناهان این افراد در قلب و نفس آنها اثر گذاشته و موجب عدم درک حقایق گردیده است. در این آیه چند نکته وجود دارد. اول: قطعاً گناهان انسان باعث ایجاد صورت‌ها و نقش‌هایی در نفس می‌شوند. دوم: این صورت‌های اعمال زشت، از درک حقایق توسط نفس انسان جلوگیری می‌کنند. سوم: نفس انسان به حسب طبیعت خود دارای جلاء و صفایی است که حقیقت را درک می‌کند و حق را از باطل تشخیص می‌دهد. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۲۰، ص ۲۳۴)

همان گونه که تخلف از اوامر الهی دارای آثار تکوینی بر نفس است عمل به این اوامر و تبعیت از دستورات الهی نیز دارای آثار تکوینی مثبتی است. پیامبر (ص) در ذیل این آیه و در تبیین تأثیر قطعی اعمال نیک و بد بر نفس انسان‌ها می‌فرماید: «إِنَّ الْعَبْدَ إِذَا أَدْنَبَ كَانَتْ نُكْتَةً سَوْدَاءَ فِي قَلْبِهِ، فَإِنْ تَابَ وَنَزَعَ وَاسْتَغْفَرَ صُقِلَ قَلْبُهُ وَ إِنْ زَادَ زَادَتْ حَتَّى يَغْلُو قَلْبُهُ، ذَاكَ الرَّأْنُ الَّذِي ذَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْقُرْآنِ: {كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ}» (شیبانی، ۱۴۲۱، ج ۱۳، ص ۳۳۳؛ خرائطی، ۱۴۲۱، ص ۳۴)

یعنی اگر بنده‌ای گناهی مرتکب شود نقطه سیاهی در قلب او پدیدار می‌شود. اگر توبه و استغفار کند آن سیاهی برطرف می‌شود و قلب او داده می‌شود و جلاء می‌یابد اما اگر به آن گناه اصرار ورزد آن سیاهی نیز بیشتر می‌شود تا جایی که همه قلبش را فرامی‌گیرد و این همان زنگاری است که خدا در قرآن به آن اشاره نموده است.

این روایت در کتاب‌های حدیثی معتبر اهل سنت و شیعه وجود دارد (ترمذی، ۱۳۹۵، ج ۵، ص ۴۳۴؛ نسائی، ۱۴۲۱، ج ۹، ص ۱۶۰ و ج ۱۰، ص ۳۲۸؛ بستی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۱۰؛ رضی، ۱۴۲۲، ص ۳۶۳؛ فتال نیشابوری، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۴۱۴؛ طبرسی، ۱۳۸۵، ص ۲۵۶) و مورد قبول علماء قرار گرفته و حاکم نیشابوری و ذهبی نیز آن را بنابر مبانی رجالی و حدیثی صحیح مُسَلِّم، صحیح دانسته‌اند (نیشابوری، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۱۷) و ناصر الدین البانی نیز آن را حسن دانسته است



(قزوینی، بی تا، ص ۷۰۳) و شعیب ارنؤوط نیز آن را با عبارت «حدیث قوی» تأیید کرده است.  
(قزوینی، ۱۴۳۰، ج ۵، ص ۳۱۷)

مفسران متعددی از اهل سنت نیز در تفسیر سوره مطلقین به این روایت اشاره کرده‌اند و آن را توضیح مناسبی برای این آیه دانسته‌اند. (واحدی، ۱۴۳۰، ج ۲۳، ص ۳۲۳؛ سیوطی، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۳۲۵؛ دمشقی، ۱۴۲۰، ج ۸، ص ۳۵۰) همچنین آلوسی نیز این روایت را نقل کرده است و هیچ اشکالی بر آن وارد نکرده است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵، ص ۲۷۹)

با توجه به اینکه این روایت، اعمال صالح و گناهان همه بندگان را دارای تأثیر قطعی مستقیم بر نفس و روح آنها دانسته است و آثار تکوینی و قطعی را مختص به اعمال عده خاصی نکرده است و از طرفی آلوسی پس از نقل این روایت هیچ توضیح و تعلیقی مبنی بر اختصاص این روایت به اعمال اهل بیت در ذیل آن نیاورده است، در می‌یابیم که وی بر خلاف سخنانش در تفسیر آیه تطهیر، در اینجا اعمال همه بندگان را دارای تأثیرات معنوی قطعی می‌داند.

پیامبر(ص) در روایت دیگری به بیان چهار دسته اعمالی که فاسد کننده قلب و جان انسان هستند می‌پردازند و قطعی بودن این آثار را مختص به عده خاصی نمی‌دانند. قال رسول الله(ص): «أربع خصال مفسدة للقلوب، مجارة الأحمق إن جاریته كنت مثله و إن سکت عنه سلمت و كثرة الذنوب و قد قال الله عز وجل: «كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَى قُلُوبِهِمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ» و الخلوۃ بالنساء و الاستماع منهنّ و العمل برأيهنّ و مجالسة الموتی. قيل: یا رسول الله، و من الموتی؟ قال: كلّ غنیّ قد أبطره غناه و إمامٌ جائرٌ». این روایت علاوه بر کتب اهل سنت (ابن اثیر، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۲۷۰) در کتب حدیثی شیعه نیز آمده است. (مفید، ۱۴۱۳، امالی، ص ۳۱۵؛ طوسی، ۱۴۱۴، ص ۸۳)

پیامبر اکرم(ص) در این روایت چهار عمل را به عنوان فاسد کننده قلب‌ها و نفوس انسان‌ها مطرح می‌کنند که یکی از آنها کثرت گناهان است. این روایت نیز به ارتباط مستقیم میان اعمال و نفس انسان تصریح می‌کند و این ارتباط را شامل اعمال همه انسان‌ها می‌داند و قطعی بودن آثار اعمال را برای اعمال همه انسان‌ها دانسته است. آلوسی نیز این روایت را نقل کرده و در ذیل این روایت هیچ تعلیقی بیان نمی‌کند و آن را مختص به اعمال اهل بیت نمی‌کند که این امر نشان از پذیرش گستره وسیع این روایت دارد. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۵، ص ۲۷۹) پذیرش این دو روایت توسط آلوسی، در تناقض آشکاری با ادعای وی در تفسیر آیه تطهیر است.

هچنین پیامبر(ص) در روایت دیگری آثار سخن گفتن به غیر ذکر خدا را بیان می‌فرماید: «لَا تُكْثِرُوا الْكَلَامَ بِغَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّ كَثْرَةَ الْكَلَامِ بِغَيْرِ ذِكْرِ اللَّهِ قَسْوَةٌ لِلْقَلْبِ، وَإِنْ أَبْعَدَ النَّاسَ مِنَ اللَّهِ الْقَلْبُ الْقَاسِي» (ترمذی، ۱۳۹۵، ج ۴، ص ۶۰۷؛ بیهقی، ۱۴۲۳، ج ۷، ص ۲۸) یعنی یکی از اعمالی که بر قلب و جان انسان تأثیر منفی می‌گذارد و موجب قساوت قلب می‌شود، زیادی سخن بیهوده است. پیامبر اکرم(ص) همان طور که در مورد آثار گناهان بر قلب و نفس انسان سخن گفته‌اند در خصوص آثار نیکوی ترک گناه نیز بیاناتی دارند.

به عنوان نمونه در روایتی پیامبر(ص) فرمودند: «إِنَّ النَّظْرَةَ سَهْمٌ مِنْ سِهَامِ إِبْلِيسَ مَسْمُومٌ مَنْ تَرَكَهَا مَخَافَتِي أَبْدَلْتُهُ إِيْمَانًا يَجِدُ حَلَاوَتَهُ فِي قَلْبِهِ» (طبرانی، بی‌تا، ج ۱۰، ص ۱۷۳) یعنی ترک نگاه حرام موجب تقویت ایمان و درک شیرینی آن در قلب می‌شود. بنابراین از مجموع آیات قرآن و روایات پیامبر(ص) به این نتیجه می‌رسیم که اعمال خوب و بد همه انسان‌ها دارای آثار تکوینی بر نفس و روح آنها هستند و ادعای آلوسی مبنی بر اختصاص آثار تکوینی به اعمال اهل بیت بی‌اساس و باطل است.

## ۶. آثار اعمال در حکمت اسلامی

ادعای آلوسی مبنی بر اختصاص آثار تکوینی به اعمال اهل بیت از منظر حکمای اسلامی نیز مردود است. در دیدگاه حکماء و فلاسفه، اعمال هر انسانی دارای آثار تکوینی و قطعی بر نفس او است. هر عملی که انسان مرتکب می‌شود تأثیر خاصی بر نفس می‌گذارد و برای مدت کوتاهی حالتی را در او ایجاد می‌کند و مثبت یا منفی بودن آن اثر، تابع حسن یا قبح آن عمل است. در دیدگاه آن‌ها وقتی انسان بر عملی مداومت می‌ورزد و آن را تکرار می‌کند، این تکرار موجب استحکام و بقای بیش از پیش آن اثر و آن حالت می‌شود و موجب به وجود آمدن ملکه نفسانی متناسب با آن عمل می‌گردد. (ابن سینا، ۱۳۷۵، ص ۱۴۹؛ شیرازی، ۱۴۱۰، ج ۹، ص ۲۲۷ و ۲۹۰؛ سبزواری، ۱۳۷۲، ص ۴۹۷؛ فیض کاشانی، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۰۹۸؛ همو، ۱۳۸۷، ص ۲۹۶؛ جرجانی، ۱۳۷۰، ص ۱۰۱؛ رازی، ۱۴۰۷، ج ۷، ص ۲۰۸)

اگر آن عمل خیر و نیکو باشد ملکه حاصل از آن نیز یکی از ملکات نیکو است (شیرازی، ۱۳۵۴، ص ۴۶۳) مانند ملکه تواضع، ملکه حیاء و عفت. اینگونه ملکات نفسانی موجب نورانی

شدن نفس انسان می شود و باعث ارتقاء نفس در مراتب معنوی و الهی می گردد و از این پس، آن ملکه منشأ ادامه اعمال نیک گذشته خواهد بود و آن اعمال به سهولت و بدون مشقت از انسان صادر می شود.

همچنین تکرار اعمال زشت و پلید نیز باعث تقویت امیال حیوانی و به وجود آمدن ملکه آن ها در نفس انسان می شود (همو، ۱۳۶۰، ص ۲۰۲) که این ملکات باعث تقویت جنبه حیوانی انسان می شود و نفس انسان را پلید و سیاه می کند. (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۶، ص ۲۲۷؛ سبزواری، ۱۳۶۹، ج ۳، ص ۶۲۴) این قاعده در مورد تحصیل ملکه فنون و مهارت های مختلف دیگر نیز وجود دارد. (شیرازی، بی تا، ص ۱۶۸؛ فیض کاشانی، ۱۴۲۵، ص ۳۱)

به عنوان مثال برای بدست آوردن ملکه کتابت لازم است که انسان شروع به نوشتن کند. در ابتدای امر تسلط او بر نوشتن بسیار کم است اما پس از تکرار فراوان، نفس او با نوشتن انس می گیرد و ملکه کتابت در او حاصل می شود و در نتیجه کاملاً بر نوشتن مسلط می گردد و بدون هیچ سختی به کتابت می پردازد. (رازی، ۱۴۲۰، ج ۳۱، ص ۸۸) بر این اساس، از دیدگاه فلاسفه تجسّم اعمال انسان در آخرت، همان تحقّق ملکات و صفات نفسانی است که انسان در دنیا به سبب تکرار اعمال نیک یا بد کسب کرده است. آیات و روایات مختلفی برای تأیید این مبنای فلاسفه بیان شده است. (شیرازی، ۱۳۶۰، ص ۲۸۸ و ۲۹۴-۲۹۵؛ جمعی از مؤلفان، ۱۳۸۵، ص ۵۸۶-۵۸۲) بنابراین همه اعمال انسان ها دارای تأثیر تکوینی و قطعی بر نفس انسان هستند و این آثار هیچ اختصاصی به اعمال اهل بیت ندارد.

این تحلیل حکمای اسلامی از کیفیت تأثیر اعمال بر نفس انسان، توسط برخی از مفسران مانند فخر رازی و بیضاوی و ابن عاشور نیز مطرح شده و مورد پذیرش قرار گرفته است (همان، ج ۲۱، ص ۴۳۸؛ بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۵، ص ۲۹۵؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰، ج ۲، ص ۵۲۲) و حتی آلوسی نیز آن را در تفسیر خود مطرح می کند و هیچ نقد و اشکالی نسبت به آن وارد نمی کند. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۱۶۹)

آلوسی در جای دیگری از تفسیر خود، به تبیین مراتب نفس می پردازد و معتقد است اولین مرتبه نفس، انجام تکالیف شرعی، تقوا و زهد است و باید در این مرتبه، اخلاص و توجه به خدا را افزایش داد و از حبّ شهوات و وسوسه های نفسانی اجتناب کرد تا به مرتبه دوم از مراتب

نفس یعنی تهذیب باطن و ترک ملکات و صفات اخلاقی پلید دست یافت. اگر سالک همچنان به مواظبت بر طهارت، عبادت، مراقبه و محاسبه ادامه دهد حالات خوش معنوی، مانند: شوق، عشق و وجد، به طور موقت در او به وجود می‌آید و پس از مدتی این حالات، استقرار یافته و تبدیل به ملکات نفسانی می‌شوند و سالک به مرتبه سوم از مراتب نفس می‌رسد. (همان، ج ۸، ص ۱۵۰)

آلوسی این مراتب را در مقام تبیین رابطه میان نفس انسان و اذکار و افکار بیان می‌کند و مانند اصحاب حکمت و عرفان اسلامی، اعمال انسان را دارای آثار تکوینی قطعی و تخلف ناپذیر بر نفس انسان دانسته و این را از ویژگی‌های نفس انسان به حساب آورده است و به هیچ وجه قطعیت این آثار را مختصّ به اهل بیت ندانسته است. اما معلوم نیست که چرا ایشان هنگامی که به تفسیر آیه تطهیر می‌رسد سخنان گذشته خویش را نادیده می‌گیرد و آثار تکوینی و قطعی اعمال عبادی را مختصّ به اعمال نیک اهل بیت می‌داند.

از مطالب مذکور معلوم گردید که آن شرطی که آلوسی در ضمن آیه تطهیر در نظر گرفته است باعث نمی‌شود که این آیه بتواند هیچ ویژگی و برتری خاصی برای اهل بیت پیامبر(ص) ثابت کند چرا که اعمال همه انسان‌ها دارای آثار تکوینی و قطعی در شکل‌گیری ملکات نفسانی است و این آثار اختصاصی به عدّه خاصی ندارد. بنابراین اطلاق اراده تکوینی در آیه تطهیر به حال خود باقی است و همان طور که هیچ قرینه لفظی برای تقیید آن وجود ندارد، هیچ قرینه معنوی و غیر لفظی نیز برای تقیید این اراده موجود نیست و لازمه اطلاق اراده تکوینی در آیه تطهیر این است که خداوند از ابتدای خلقت اهل بیت، با اراده تکوینی خود هرگونه پلیدی و خطایی را از آنها دور کرده است. در حقیقت این آیه دلیل محکمی برای اثبات عصمت اهل بیت پیامبر(ص) و پاکی آنها در طول مدت عمر از هر گناه و خطایی است.

## ۷. تخلف ناپذیری اراده تکوینی در دیدگاه شیعه

آلوسی در ذیل آیه تطهیر و در ردّ دیدگاه شیعه مبنی بر ملازمه اراده تکوینی و عصمت اهل بیت، به سخنی از شاه عبد العزیز دهلوی (دهلوی، ۱۳۷۳، ص ۸۵ و ۱۵۲-۱۵۳) اشاره می‌کند. وی مدعی شده است که اعتقاد به تخلف ناپذیری اراده تکوینی خداوند، مخصوص اهل سنت

است و شیعه معتقد است آنچه که خداوند به اراده تکوینی خود اراده می کند ممکن است محقق نشود و اراده تکوینی او تخلف پذیر است. (آلوسی، ۱۴۱۵، ج ۱۱، ص ۱۹۸)

این ادعای او نشان دهنده جهل وی به مبانی شیعه در اراده خداوند و افعال اوست. (محسنی، ۱۴۲۸، ج ۳، ص ۹۰) زیرا شیعه معتقد است اراده تکوینی خداوند تخلف ناپذیر است (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۷، ص ۹۴) و علمای شیعه بر این اعتقادند که هر چه را که خداوند به اراده تکوینی خود اراده کند بدون معطلی حاصل می شود و هیچ موجودی نمی تواند مانع تحقق مُراد او شود. (عراقی، ۱۴۱۷، ج ۱، ص ۱۶۸؛ سبحانی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۲۰۲؛ آملی، ۱۴۰۵، ص ۲۶۴؛ فاضل، ۱۴۳۰، ج ۲، ص ۵۱۵)

بنابراین از مباحث مطرح شده در این بخش به این نتیجه می رسیم که در این آیه اراده تکوینی خداوند، بدون هیچ قیدی، به رفع رجس و پلیدی از اهل بیت تعلق گرفته است و اراده تکوینی خداوند از دیدگاه اهل سنت و نیز شیعه تخلف ناپذیر است و در نتیجه عصمت و پاکی اهل بیت از هر گناه و آلودگی ثابت می شود.

باید توجه شود که این آیه در مقام تعلیل برای امر و نهی همسران پیامبر(ص) وارد شده است اما نه به آن معنایی که آلوسی بیان کرده است بلکه به این معنا که دلیل اینکه خداوند همسران پیامبر(ص) را به طور خاص مورد امر و نهی قرار داده و به آنها توجه ویژه ای نموده این است که آنها با ذوات مقدسی مرتبط هستند که در اوج پاکی و عصمت قرار دارند به گونه ای که خداوند نمی خواهد حتی به خاطر گناه و اشتباه اشخاص مرتبط با این ذوات مقدس آلودگی و عیبی به آنها برسد.

بنابراین خداوند می فرماید شما مانند زنان دیگر نیستید زیرا شما با اهل بیت عصمت و طهارت مرتبطید و باید بیش از دیگران مراقب رفتار خود باشید چرا که خطا و گناه شما موجب کسر شأن این ذوات مقدس می شود. (مظفر، ۱۴۲۲، ج ۴، ص ۳۷۳) خداوند با این آیه میان اهالی خانه ظاهری و مادی پیامبر(ص) و اهالی خانه معنوی و در اوج پاکی و عصمت پیامبر(ص) رابطه ایجاد کرده است و این آیه در موضع حقیقی و وحیانی خود قرار دارد و هیچ تغییری و جابجایی صورت نگرفته است. (صادقی، ۱۳۶۵، ج ۲۴، ص ۱۱۲)

## نتیجه گیری

از مباحث گذشته به این نتیجه می‌رسیم که ادعای آلوسی مبنی بر انحصار آثار معنوی و تکوینی اعمال عبادی به اعمال اهل بیت باطل و فاقد دلیل عقلی و نقلی است و آثار تکوینی و قطعی اعمال نیک و بد در نفس انسان اختصاصی به اهل بیت ندارد و بر اساس آیات قرآن و روایات پیامبر(ص) و مبانی حکمت اسلامی، اعمال همه انسان‌ها دارای آثار تکوینی و قطعی بر نفس آن‌ها است و تکرار اعمال نیک موجب پیدایش ملکات و صفات اخلاقی نیکو در نفس انسان می‌شود و همچنین تکرار و استمرار اعمال زشت و قبیح نیز باعث پیدایش ملکات و صفات حیوانی در نفس انسان و موجب سیاهی و پلیدی آن می‌گردد.

بنابراین شرطی که آلوسی در ضمن آیه تطهیر در نظر گرفته بود بی‌اساس است و هیچ دلیلی بر آن وجود ندارد و اراده تکوینی موجود در آیه تطهیر مطلق بوده و هیچ قید لفظی و غیر لفظی برای تقیید آن وجود ندارد. بنابراین آیه تطهیر در صدد بیان این است که اراده تکوینی خدای متعال به پاک شدن اهل بیت(ع) از هر خطا و اشتباه و پلیدی تعلق گرفته است که در نتیجه، این ذوات مقدس از ابتدای خلقتشان از هر گونه ناپاکی و پلیدی به دور بوده و از هر خطا و اشتباهی معصوم هستند.

## منابع

- قرآن کریم.
- آلوسی، محمود بن عبد الله (۱۴۱۵ق)، *روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی*، تحقیق علی عبد الباری عطیة، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- آملی، میرزا هاشم (۱۴۰۵ق)، *تقریرات الأصول*، تقریر ضیاء الدین نجفی، تهران: موسسه انتشارات فراهانی.
- ابن اثیر، عزالدین (۱۴۱۵ق)، *أسد الغابة فی معرفة الصحابة*، تحقیق علی محمد معوض و عادل أحمد عبد الموجود، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن سینا، شیخ الرئيس (۱۳۷۵)، *الاشارات و التنبيهات*، قم: نشر البلاغة.
- ابن عاشور، محمد بن طاهر (۱۴۲۰ق)، *التحریر و التنویر*، بیروت: مؤسسه التاريخ.

- بستی، محمد بن حبان (۱۴۱۴ق)، **صحیح ابن حبان**، تحقیق شعیب الأرئوط، بیروت: مؤسسه الرسالة.
- بیضاوی، عبد الله بن عمر (۱۴۱۸ق)، **أنوار التنزیل وأسرار التأویل**، تحقیق محمد عبد الرحمن المرعشلی، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- بیهقی، ابوبکر (۱۴۲۳ق)، **شعب الإیمان**، تحقیق عبد العلی عبد الحمید حامد، ریاض: مکتبه الرشد.
- ترمذی، محمد بن عیسی (۱۳۹۵ق)، **سنن الترمذی**، تحقیق أحمد محمد شاکر و دیگران، مصر: مطبعة مصطفى البابي الحلبي.
- جرجانی، علی بن محمد (۱۳۷۰)، **کتاب التعریفات**، تهران: ناصر خسرو.
- جمعی از مؤلفان (۱۳۸۵)، **دائرة المعارف بزرگ اسلامی**، زیر نظر سید کاظم موسوی بجنوردی، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حلّی، حسن بن یوسف (۱۳۷۹)، **منهاج الکرامه فی معرفه الإمامه**، مشهد: مؤسسه عاشورا.
- همو، (۱۴۱۵ق)، **مناهج الیقین فی أصول الدین**، تحقیق یعقوب مراغی، تهران: دار الاسوه.
- حیدری، سید کمال (۱۴۲۴ق)، **العصمه**، قم: دارفراقده.
- خرائطی، محمد بن جعفر (۱۴۲۱ق)، **اعتلال القلوب**، تحقیق حمدی الدمرداش، مکه مکرمه: نزار مصطفی الباز.
- دمشقی، ابن کثیر (۱۴۲۰ق)، **تفسیر القرآن العظیم**، تحقیق سامی بن محمد سلامه، ریاض: دارطیبه.
- دهلوی، عبد العزیز (۱۳۷۳ق)، **مختصر التحفه الاثنی عشریه**، ترجمه محمد بن محیی الدین الأسلمی، تلخیص محمود شکری الأوسی، تحقیق محب الدین الخطیب، قاهره: المطبعة السلفیه.
- رازی، فخر الدین (۱۴۰۷ق)، **المطالب العالیه من العلم الإلهی**، تحقیق حجازی سقا، بیروت: دار الکتاب العربی.
- همو، (۱۴۲۰ق)، **مفاتیح الغیب**، بیروت: دار إحياء التراث العربی.
- راغب أصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، **مفردات ألفاظ القرآن**، بیروت: الدار الشامیه.

- رضی، محمد بن حسین (۱۴۲۲ق)، **المجازات النبویة**، تحقیق صبحی صالح، قم: دار الحدیث.
- سبحانی، جعفر (۱۳۸۴)، **الالهیات**، تقریر حسن مکی عاملی، قم: مؤسسه الامام الصادق (ع).
- سبزواری، هادی (۱۳۶۹)، **شرح المنظومة**، تحقیق مسعود طالبی، شرح حسن حسن زاده آملی، تهران: نشر ناب.
- همو، (۱۳۷۲)، **شرح الأسماء الحسنى**، تحقیق نجفقلی حبیبی، تهران: دانشگاه تهران.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق)، **الدر المنثور فی تفسیر المأثور**، قم: کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی.
- شبلی، احمد بن حنبل (۱۴۲۱ق)، **سند الإمام أحمد بن حنبل**، تحقیق شعیب الأرنؤوط و دیگران، بیروت: مؤسسه الرساله.
- شیرازی، صدر الدین (بی تا)، **الحاشیة علی الهیات الشفاء**، قم: بیدار.
- همو، (۱۳۵۴)، **المبدأ و المعاد**، تهران: انجمن حکمت و فلسفه ایران.
- همو، (۱۳۶۰)، **الشواهد الربوبیة**، تعلیق هادی سبزواری، تصحیح و تعلیق جلال الدین آشتیانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- همو، (۱۳۶۶)، **تفسیر القرآن الکریم**، تحقیق محمد خواجوی، قم: بیدار.
- همو، (۱۳۶۰)، **اسرار الآیات**، تصحیح محمد خواجوی، تهران: انجمن حکمت و فلسفه.
- همو، (۱۴۱۰ق)، **الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۶۵)، **الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن**، قم: انتشارات فرهنگ اسلامی.
- طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرانی، سلیمان بن أحمد (بی تا)، **المعجم الكبير**، تحقیق حمدی بن عبد المجید السلفی، قاهره: مکتبه ابن تیمیة.
- طبرسی، علی بن حسن (۱۳۸۵ق)، **مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار**، نجف: المکتبة الحیدریة.



- طوسی، محمد بن الحسن (۱۴۱۴ق)، **الأمالی**، قم: دار الثقافة.
- همو، (بی تا)، **التبیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- عراقی، ضیاء الدین (۱۴۱۷ق)، **نهاية الأفكار**، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- علم الهدی، علی بن الحسین (۱۴۱۰ق)، **الشافی فی الإمامة**، تهران: مؤسسه الصادق(ع).
- فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۳۰ق)، **دراسات فی الأصول**، تقریر صمدعلی موسوی، قم: مرکز فقه الاثمه الاطهار(ع).
- فتال نیشابوری، محمد بن احمد (۱۳۷۵)، **روضة الواعظین و بصيرة المتعظین**، قم: انتشارات رضی.
- فکری، مسعود (۱۳۸۴)، **پندارها و پاسخ‌ها: نقدی بر تفسیر روح المعانی در زمینه آیات مربوط به اهل بیت(ع)**، تهران: دانشگاه امام صادق(ع).
- فیض کاشانی، محمد بن مرتضی (۱۳۸۷)، **المعارف**، تحقیق حسن قاسمی. تهران: مدرسه عالی شهید مطهری(ره).
- همو، (۱۴۱۸ق)، **علم الیقین**، تحقیق محسن بیدارفر، قم: بیدار.
- همو، (۱۴۲۵ق)، **أنوار الحکمة**، تحقیق محسن بیدارفر، قم: بیدار.
- قزوینی، ابن ماجه (بی تا)، **سنن ابن ماجه**، تعلیقات محمد ناصر الدین البانی، گردآوری مشهور بن حسن آل سلمان، ریاض: مکتبة المعارف.
- همو، (۱۴۳۰ق)، **سنن ابن ماجه**، تحقیق شعیب الأرئووط و دیگران، بیروت: دار الرسالة العالمیة.
- محسنی، محمد آصف (۱۴۲۸ق)، **صراط الحق**، قم: ذوی القربی.
- مظفر نجفی، محمد حسن (۱۴۲۲ق)، **دلائل الصدق**، قم: مؤسسه آل البيت.
- مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق)، **الأمالی**، قم: کنگره شیخ مفید.
- همو، (۱۴۱۳ق)، **الفصول المختارة**، قم: کنگره شیخ مفید.
- نسائی، أحمد بن شعیب (۱۴۲۱ق)، **السنن الكبرى**، تحقیق حسن عبد المنعم شلبی، بیروت: مؤسسه الرسالة.

- نیشابوری، أبو عبد الله (بی تا)، **المستدرک علی الصحیحین (وبذیلہ التلخیص للحافظ الذهبی)**، زیر نظر یوسف عبدالرحمن المرعشلی، بیروت: دارالمعرفة.
- واحدی، أحمد بن محمد (۱۴۳۰ق)، **التفسیر البسیط**، ریاض: جامعة الإمام محمد بن سعود الإسلامية.

**A Critical Study of Alusi's Viewpoint on Divine Existential Will in the Verse of Purification (Tathir)**

**Reza Nourouzy<sup>۱</sup>**  
**Meysam Dost Mohammady<sup>۲</sup>**

Received: 2015/03/02

Accepted: 2015/06/08

**Abstract**

The verse of purification (tathir) is of great importance among Islamic scholars of different sects and has been subject to variant debates. Elaborating the type of "will" mentioned in this verse is considered as one of its most important issues of interpretation. Shia believes that "will" in this verse means existential will and that Almighty God's Will has accrued to purifying Ahl al-Bayt (SAA) from any impurity and evil from the beginning of the creation and their purification and therefore infallibility has been realized immediately. In this article Alusi's viewpoint regarding the Divine existential "Will" in this verse provided they perform divine commands and abandon divine prohibitions has been analyzed and evaluated.

He restricts the existential effects of good deeds to Ahl al-Bayt (SAA) while he considers that of others devoid of such definite effects. Alusi's claim is unjustified and rejected according to Quran, the prophetic traditions and principles of Islamic wisdom; therefore, such a condition cannot be accepted for the Divine existential "Will" in the verse of purification.

**Keywords:** Verse of purification, Divine Will in creation, Alusi, Ahl al-Bayt(SAA), Infallibility.

---

<sup>۱</sup> Assistant professor in Maaref at Qom University. [r.nourouzy@yahoo.com](mailto:r.nourouzy@yahoo.com)

<sup>۲</sup> M.A. graduated in Maaref at Qom University. (Responsible Author)

[mdoostmdoost@gmail.com](mailto:mdoostmdoost@gmail.com)